

پیامدهای حضور داعش برای کردهای عراق و سوریه

سید محسن مصطفوی* حسین دهشیار**
حمید احمدی*** رحمت حاجی مینه****

چکیده

مقاله حاضر به بررسی وضعیت کردهای عراق و سوریه در فضای داعش و پسداداعش پرداخته است. پرسش اساسی که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت، وضعیت کردهای عراق و سوریه در فضای پسداداعشی و پیامدهایی است که در اثر اوج گیری و افول آن برای آنها به وجود آمده است. در واقع، کردهای سوریه در فرصت بی نظیری که ظهور داعش ایجاد نمود، اداره مناطق کُردنشین را در دست گرفتند، اما در نتیجه مداخله ترکیه نتوانستند خودمختاری کامل خود را حفظ کنند. تحرکات داعش در عراق نیز این فرصت را برای حکومت اقلیم کردستان فراهم کرد که به خواست خود مبنی بر کنترل کرکوک و مناطق مورد مناقشه با دولت عراق، جامعه عمل بپوشاند و با اجرای همه پرسی، علناً طرح «استقلال کردستان عراق» پیاده کند. اما این اقدام با عقب نشینی نیروهای پیش مرگه از کرکوک و رها کردن همه پرسی بی نتیجه ماند و حتی به تهدید مبدل گشت. بر این اساس، فرضیه مقاله حاضر آن است که اگرچه ظهور داعش در ابتدا به منفعت کردهای دو کشور بود ولی در ادامه به تضعیف موقعیت آنها منتهی شد. این مقاله

* دانشجوی دکترای روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. miladmostafavi61@gmail.com

** استاد روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی. (نویسنده مسئول) h-daheshiar@yahoo.com

*** استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران. Hahmadi@ut.ac.ir

**** استادیار روابط بین الملل، گروه ارتباطات و علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. r.hajimineh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۳

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the **Creative Commons Attribution 4.0 International**, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

به صورت توصیفی تحلیلی و در چارچوب واقع‌گرایی نوکلاسیک به بررسی موضوع پرداخته است.
کلیدواژه‌ها: کردستان، سوریه، عراق، خاورمیانه، داعش.

۱. مقدمه

گردها خود را بزرگ‌ترین ملت بی‌دولت دنیا می‌دانند و به همین روی در طول تاریخ معاصر عموماً با دولت‌های مرکزی کشورهای متبوع‌شان سر‌ناسازگاری داشته‌اند. در واقع، هرچند شاید در مقاطع تاریخی بعضاً طولانی‌مدت، میان گردها و دولت‌های مرکزی همزیستی مسالمت‌آمیز پدید آمده باشد، ولی همواره استعداد بروز ناامنی در مناطق کردنشین وجود داشته است.

برای کاوش در ریشه‌های این موضوع باید توجه داشت که در قرن بیستم با پایان جنگ جهانی اول و امضا قرارداد سایکس-پیکو در سال ۱۹۱۶ بین فرانسه و بریتانیا، آرایش سیاسی خاورمیانه شکل جدیدی به خود گرفت و مرزهای جدید تعیین شد که به واسطه عدم رضایت گردها از این مرزبندی‌ها، هرگاه که دولت‌های مرکزی دچار ضعف سیاسی می‌شدند، آنها اقدام به قیام مسلحانه و اعلام خودمختاری می‌نمودند. در واقع، تا پیش از ایجاد کشورهای جدید در خاورمیانه مسئله قومیت‌گرد مسئله مهمی محسوب نمی‌شد و برای گردها نیز مسئله‌ی غالب نبود و در واقع این ناسیونالیسم عرب و ترک بود که اقلیت ملی‌گرد را شکل داد و به نوعی ناسیونالیسم‌گرد، محصول جانبی ناسیونالیسم ترک بود (فیلیپس، ۱۳۹۵، ص ۳۱). این قومیت در خاورمیانه در چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه مستقر هستند که با وجود برخی تفاوت‌ها، در مجموع در این ویژگی مهم مشترک‌اند.

البته در این میان وضعیت تاریخی گردهای عراق و سوریه تفاوت‌هایی دارد. از یک‌سو، گردهای عراق بعد شکل‌گیری دولت‌های جدید در خاورمیانه همواره در عراق در حال مبارزه برای استقلال و خودمختاری بودند و از سال ۱۹۹۱ نیز این خودمختاری در عمل رسمیت یافت. اما در سوی سوی دیگر، گردهای سوریه تا قبل تحولات بهار عربی و ورود داعش در عرصه بین‌المللی چندان شناخته‌شده نبودند و در پرتو تحرکات حزب کارگران کردستان ترکیه بعضاً نام آنان شنیده می‌شد. این اقلیت دو میلیونی که تقریباً معادل ده درصد جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند، اغلب مهاجرانی هستند که از ترکیه به سوریه مهاجرت کرده‌اند.

در واقع پیش از دوران امپراتوری عثمانی، میان کردهای سوریه و ترکیه مرزی (حتی مرزهای طبیعی مانند کوه و رودخانه) وجود نداشت. تنها در آغاز سده بیستم و با ساخت خط آهن موسوم به اکسپرس شرق (که قرار بود بغداد و آلمان را به هم متصل کند) بود که این خط آهن به عنوان خط مرزی میان آنها شکل گرفت (ابراهیم بیرو، ۱۳۹۷). از سوی دیگر، بعد از استقلال ترکیه توسط ترک‌های جوان و آتاتورک در سال ۱۹۲۳، ترک‌ها به شدت به سرکوب گروه‌های شورشی و اقلیت‌هایی (از جمله کردها) که در مقابل آنکارا دست به طغیان می‌زدند پرداختند. از این جهت کردها کینه عمیقی از ترکیه به دل دارند. آنها در اکتبر سال ۱۹۲۵ برای تأسیس یک سازمان کردی به نام «خویی‌بون» در بیروت گردهم آمدند، جنبشی ناسیونالیست سکیولار که با هدف اتحاد و استقلال کردستان بود. خویی‌بون تصورات کردها در منطقه روژآوا (کردستان غربی) را شکل بخشید و به عنوان بنیادی فکری برای جنبش ناسیونالیستی کرد عمل کرد (فیلیس، ۱۳۹۵، ص ۱۱۱).

بر همین اساس، با ظهور داعش و تضعیف حاکمیت‌ها در دو کشور سوریه و عراق در دهه ۲۰۱۰ میلادی، فرصتی تاریخی پیش روی کردهای منطقه قرار گرفت و آنها که به دنبال افزایش قدرت، کشورسازی و خودمختاری‌های جدید بودند، از این فرصت بهره بردند. در مقاله پیش رو تلاش شده است وضعیت کردهای دو کشور در فضای داعش و پسا داعش و پیامدهایی که شکل‌گیری دولت اسلامی شام و عراق برای کردها به همراه دشت، مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، سوال اصلی پژوهش حاضر آن است که چه تحولاتی در وضعیت کردهای عراق و سوریه در فضای پس از ظهور داعش پدید آمده است؟ اینکه ظهور داعش برای کردها یک فرصت بوده است یا تهدید نیز سوال فرعی پژوهش است؟ فرضیه مقاله حاضر آن است که اگرچه ظهور داعش در ابتدا به سود کردهای دو کشور بود، در ادامه به تضعیف موقعیت آنها منتهی شد. این مقاله به صورت توصیفی تحلیلی و در چارچوب واقع‌گرایی نوکلاسیک به بررسی موضوع پرداخته است.

۲. پیشینه تاریخی کردهای عراق

کردهای عراق و حکومت آنها معروف به حکومت اقلیم کردستان (KRG)، از سال ۱۹۹۱ و بعد از جنگ اول خلیج فارس آمریکا و متحدانش بر ضد عراق، با قیامی معروف به «راپه رین (Rāparin)» توانستند بر مناطق کردنشین عراق تسلط یافته و به

آرزوی دیرین خود جامعه عمل بپوشانند، و از سال ۲۰۰۳ و بعد سقوط رژیم بعث، حکومت خود را به عنوان حکومت فدرال در قانون اساسی عراق به تصویب برسانند. آنها همچنین توانستند با همراهی گروه‌های شیعه به مناصب کلیدی در دولت جدید عراق دست پیدا کنند.

دو جریان اصلی کردستان عراق یکی حزب دموکرات کردستان عراق (PDK) معروف به «پارتی» است که در سال ۱۹۴۶ به رهبری ملا مصطفی بارزانی از رهبران جنبش ملی‌گرای کُرد تشکیل شد. در حال حاضر رهبر این حزب مسعود بارزانی است و برادرزاده‌اش، نجیروان ادریس بارزانی رئیس اقلیم کردستان و پسرش، مسرور نیز نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق است. مقر اصلی خانواده بارزانی شهر اربیل عراق است (کوچرا، ۱۳۷۷، ص ۱۴۵، ۱۴۶، و ۲۳۸ الی ۲۶۴).

دومین جریان مهم در کردستان عراق اتحادیه میهنی کردستان عراق (PUK)، معروف به «یکی تی» است که در سال ۱۹۷۵ توسط جلال طالبانی تأسیس شد. طالبانی بعد از سقوط صدام حسین از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۴ در مسند ریاست جمهوری عراق قرار داشت و بعد از مرگ او در سال ۲۰۱۷، رهبری حزب به کوسرت رسول علی رسید. پسر جلال طالبانی، قباد طالبانی نیز در حال حاضر، معاون نخست‌وزیر اقلیم کردستان است. مقر این حزب شهر سلیمانیه است (سلطانی، ۱۳۹۳، کدخبر ۵۹۷۴۵).

البته در این میان، بعد از انشعابی که در حزب اتحادیه میهنی در سال ۲۰۰۶ پدید آمد، حزب گوران به رهبری نوشیروان مصطفی نیز متولد شد. در نتیجه این اختلافات، بارزانی‌ها درحلاء تضعیف طالبانی با تکیه به درآمد نفتی و توسعه اقتصادی سریع دست به قبضه قدرت زدند و کار تا آنجا پیش رفت که اپوزیسیون، حکومت اقلیم را به احزاب کمونیست اروپایی شرقی و حکومت‌های میلشایی تشبیه کرد. (نوشیروان مصطفی و آسو کمال، ۱۳۹۰، ص ۴۴ و ۱۸۵) و صبر عده‌ای از مردم لبریز شد و دست به اعتراض زدند که بزرگترین آنها، هم‌زمان با بهار عربی و موسوم به بهار کُردی بود.

پس از این وقایع، روابط کهنه بین حزب اتحادیه و دموکرات به سردی گرایید و برای اولین بار احزاب کردستانی بدون آرایه لیست مشترک و به صورت جدا در انتخابات پارلمان عراق شرکت کردند. تا آنجا که ۹ ماه بعد از انتخابات پارلمان کردستان، دولتی انتخاب نشد و «اختلافات عمیق تا احتمال وقوع درگیری میان کُردها در عراق ادامه پیدا کرد.» (Coles, Reuters, 2014).

۳. پیامدهای حضور داعش برای کردهای عراق

همانطور که اشاره شد، تا قبل از ظهور داعش، منطقه اقلیم کردستان عراق به لحاظ سیاسی دچار بن‌بست شده بود. آنها با دولت مرکزی عراق نیز بر سر فروش نفت و عدم تحقق سهمیه ۱۷ درصدی از بودجه عراق دچار مشکل شدند و با توجه به تاخیر دوستانه در تشکیل دولت محلی KRG، اداره اقلیم به چالشی مبدل شد. همچنین با توجه به پایان یافتن دوره ریاست مسعود بارزانی بر منطقه اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۳ احزاب اپوزیسیون، ادامه فعالیت مسعود بارزانی را غیر قانونی می‌دانستند.

در چنین فضایی بود که داعش ظهور کرد و به مرزهای اقلیم کردستان عراق نزدیک شد و این حمله موجب اجماع، هم میان احزاب درون کردستان عراق و هم میان آنها و سایر احزاب کردی کشورهای همسایه شد. در مورد اجماع احزاب درون اقلیم می‌توان به نشست پیرامون اشاره کرد که در آن، موضع اقلیم در خصوص داعش اعلام شد که از جمله آنها، دادن اختیارات تام به مسعود بارزانی برای تصمیم‌گیری در هر موضوعی مرتبط با این تحولات بود (کرد پرس، ۱۳۹۳، کدخبر: ۶۴۸۳۰) ظهور داعش حتی موجب نوعی از همگرایی میان کردهای منطقه و احزاب کردی دیگر کشورهایی شد که روابط بعضاً مناسبی با یکدیگر نداشتند. از جمله حزب کارگران کردستان و یگان‌های مدافع خلق کردستان سوریه، که تجربه مقابله با داعش را داشتند، اعلان آمادگی کردند که در صورت نیاز حکومت اقلیم کردستان علیه داعش بجنگند (رسول پور، ۲۳/۰۳/۱۳۹۳). در سطح بین‌المللی نیز نزدیک شدن داعش به مرزهای این اقلیم، برای حکومت اقلیم کردستان دارای فواید فراوانی بود که از جمله آنها می‌توان به بین‌المللی شدن مسأله کردها، تصرف مناطق مورد مناقشه با دولت مرکزی عراق، کسب حمایت دیپلماتیک بین‌المللی، خرید رسمی تسلیحات نظامی، تبدیل شدن پیشمرگه‌ها به یک نیروی قابل اتکا، ایجاد نوعی همبستگی داخلی در بین کردها و تبدیل شدن به بازیگری قابل توجه در خاورمیانه اشاره کرد (پشنگ، ۱۳۹۴، کدخبر: ۶۱۸۱۶)

البته نزدیک شدن داعش به مرزهای کردستان عراق، آسیب‌هایی به دنبال داشت. داعش بعد از موفقیت‌های خود در عراق و سوریه و به‌خصوص اشغال موصل، در ماه آگوست ۲۰۱۴ بخشی از نیروهای خود را به سمت اقلیم کردستان عراق گسیل کرد و آنها توانستند با اشغال شهرهایی نظیر سنگال و جلولا از این اقلیم تا ۴۰ کیلومتری پایتخت کردستان عراق نیز برسند (خبرآنلاین، ۱۳۹۳، کدخبر: ۳۶۸۷۰۲). آنها در شهر سنگال دست به جنایت جنگی گسترده و نسل‌کشی زدند، و اقلیت کردایزدی را به جرم کافر

بودن با بی‌رحمی مورد تاخت و تاز قرار دادند. در طول تسخیر شنگال بیش از ۵۰۰۰ ایزدی کشته، ۵۰۰۰۰ نفر آواره و حدود ۵۰۰۰ نفر، شامل تعدادی از دختران و زنان جوان ایزدی همچون غنایم جنگی به اسارت نیروهای داعش درآمدند. (Washingtonpost, August, 2014) این جنایات داعش توجه جهان را بیش از پیش به این گروه جلب کرد و موجب انزجار مجامع جهانی شد. با این حال، پیشروی داعش‌ها ادامه داشت و بعد سقوط موصل، احتمال سقوط اربیل نیز می‌رفت. ولی اربیل خطر قرمز ایران و هم آمریکا بود، و ایران به عنوان اولین دولت در حمایت از حکومت اقلیم کردستان وارد کارزار نبرد با داعش شد (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳، کد خبر: ۱۹۳۷۴۹۲) آمریکا نیز با نزدیک شدن داعش به اربیل، بمباران این گروه را در اقلیم کردستان عراق در دستور کار خود قرار داد و نسبت به ارسال تجهیزات و ادوات سنگین نظامی اقدام کرد. با نزدیک شدن نیروهای داعش به اربیل، آمریکا، عملیات هوایی خود را با نام (دفاع از اربیل) ترتیب داد، و در ۱۷ مرداد ۱۳۹۳ حمله به مواضع داعش را در حومه اربیل آغاز کرد. به نظر می‌رسد اگر کمک‌های نظامی ایران و آمریکا نبود، احتمال سقوط اربیل دور از ذهن نبود و تا مدت‌ها، مسئله آزادی و بازسازی ویران‌های احتمالی حاصل از آن گریبان‌گیر حکومت اقلیم کردستان می‌گشت. در هر حال، با پیروزی‌های اولیه بر داعش، کردهای عراق دو هدف را طراحی کردند: یکی اقدام برای تصرف کرکوک و مناطق مورد مناقشه با دولت مرکزی عراق و دیگری برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان.

۳-۱. تلاش حکومت اقلیم کردستان عراق برای تصرف مناطق مورد مناقشه با دولت مرکزی عراق

اقلیم کردستان در ساختار جدید عراق، همواره در راستای گسترش حاکمیت خود در مناطق کردنشین خارج از قلمرو خود اقدام کرده و خواستار پیوستن آن مناطق به اقلیم کردستان بوده است. مناطق مورد مناقشه حکومت مرکزی و اقلیم کردستان شامل استان نفت خیز کرکوک، و همچنین قسمت‌هایی از استان صلاح الدین، موصل و دیاله است که از این میان، کرکوک با توجه به ثروت‌های زیرزمینی و منابع سرشار نفت، همواره اهمیت زیادی برای اقلیم کردستان داشته است. استانی که با توجه به ذخایر قابل توجه نفتی از دیرباز تا کنون یکی از مهم‌ترین ارکان درآمدی عراق به‌شمار می‌آید. از نظر کردها کرکوک «قدس» کردستان بوده و از آرمان‌های ملی آنها جدایی‌ناپذیر است. علاوه

بر این، ثروت نفتی کرکوک می‌تواند مبنایی اقتصادی را برای استقلال کردستان فراهم می‌کند (فیلیپس، ۱۳۹۵، ص ۱۴۵).

به همین دلیل از بدو تحولات ۲۰۰۳ و سقوط رژیم بعثی بدین سو، آنان تلاش کردند تا این استان نفت‌خیز را به منطقه خودمختار خود در شمال عراق بیفزایند. پس از یک اقدام اولیه و ناموفق از طریق عملیات آزادسازی کرکوک در زمان حمله آمریکا به عراق، کردها سعی کردند از راه قانونی و بدون درگیری زمینه‌ساز الحاق کرکوک به شمال کشور شوند و در حین نگارش قانون اساسی اولیه عراق، ماده ۵۸ را جهت تعیین سرنوشت این استان و دیگر مناطق مورد ادعا وارد آن کردند، ماده قانونی که پس از اصلاحات سال ۲۰۰۵ به ماده ۱۴۰ قانون اساسی تغییر یافت (نیک فر، ماهیدشتی، ۱۳۹۴ ص ۱۷۱ و ۱۷۲)

در هر حال، پس از پیروزی بر داعش، کردها توانستند تقریباً به همه خواسته‌هایی که مدت‌ها برای آن برنامه‌ریزی کرده بودند برسند. دنیس ناتالی رئیس مرکز مطالعات استراتژیک آمریکا در این زمینه معتقد است «حمله به موصل را می‌توان کودتایی ناخودآگاه به نفع کردها نامید». در واقع، حمله داعش و پیروزی کردها، توجه رسانه‌ها را دست‌کم به صورت موقت از شرایط خجالت‌آور سرگردانی محموله مجادله‌آمیز نفت خام کردها به سوی چهره‌ای قدرتمند از دولت اقلیم کردستان معطوف کرد که به پناهندگان کمک می‌کند، به مرزها امنیت می‌بخشد، و البته شهر مهم کرکوک را نیز در میانه یک بحران جدی سیاسی به دست می‌گیرد (2014, june, natali).

۲-۳. برگزاری همه‌پرسی استقلال حکومت اقلیم کردستان

اقدام دوم کردهای عراق در فضای به وجود آمده ناشی از فعالیت‌های داعش در عراق، برگزاری همه‌پرسی و تلاش برای استقلال بود. در چنین شرایطی، مسعود بارزانی با دعوت از احزاب کردستانی، آنها را برای برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان دعوت به همگرایی کرد، اما فقط حزب دموکرات و اتحادیه میهنی به او پاسخ مثبت دادند. دیگر احزاب کردستانی از جمله جنبش گوران و احزاب اسلامی، تمایلی به برگزاری همه‌پرسی از خود نشان ندادند و معتقد بودند اول باید مسعود بارزانی از قدرت کنار برود. زیرا ریاست او بر اقلیم کردستان غیرقانونی است، و اصرار او به برگزاری همه‌پرسی، نه به خاطر دفاع از حق مردم کردستان، بلکه به منظور دور زدن قانون و تثبیت جایگاه سیاسی خود در ریاست بر اقلیم کردستان است. از سوی دیگر، واکنش‌های

منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای علیه بارزانی و اقدام او نیز آغاز شد و تقریباً همه کشورهای جهان خواستار ملغی شدن طرح همه‌پرسی بودند. (پیشگامی فرد، کریمی، ۱۳۹۷)

باید توجه داشت که به لحاظ تاریخی، تشکیل یک دولت مستقل کردی، تا حدود زیادی منوط به اراده قدرت‌های بزرگ بوده است. زیرا در سه مرحله تاریخی بعد از جنگ اول جهانی (معاهده سور ۱۹۲۰)، بعد از جنگ دوم جهانی (جمهوری مهاباد ۱۹۴۶) و بعد از جنگ دوم خلیج فارس و حمله متحدین به عراق، این امکان برای کردها فراهم شد، اما از آنجا که منافع قدرت‌های منطقه‌ای در هماهنگی با قدرت‌های بزرگ، ایجاد چنین دولتی را ایجاب نمی‌کرد، از ایجاد آن جلوگیری شد (شیخ عطار، ۱۳۸۲، ص ۳۶۶-۳۶۵). با این حال بارزانی سال ۲۰۱۷ را به عنوان سال سرنوشت ساز اقلیم کردستان عراق اعلام کرد. در ۲۵ سپتامبر این سال علیرغم مخالفت‌های بین‌المللی، در نهایت رفتارندوم جدایی کردستان عراق برگزار شد و حدود ۹۳ درصد مردم به جدایی کردستان از عراق رأی مثبت دادند. اما به واسطه فشارهای گسترده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بارزانی مجبور شد هم از نتایج همه‌پرسی و هم از کرکوک عقب نشینی کرده و در نهایت از قدرت کناره‌گیری کند.

به تصرف درآوردن کرکوک و همه‌پرسی استقلال نتایج مطلوبی برای اقلیم کردستان نداشت و همه نتایج آن تقریباً بی‌ثمر ماند. در ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷، نبرد کرکوک، توسط ارتش و بسیج مردمی عراق برای باز پس‌گیری استان کرکوک از حکومت اقلیم کردستان آغاز شد و نیروهای نظامی عراق پس از ساعاتی درگیری پراکنده در برخی نقاط کرکوک، این شهر را بدون هیچ مقاومتی تصرف کردند. این سخت‌ترین شکست کردها در رسیدن به خواست‌های خود مبنی بر تسلط بر کرکوک و استقلال اقلیم کردستان عراق در سال‌های اخیر بود که در نتیجه اختلاف شدید احزاب کردهایی میسر شد. همه پرسی خطای مهلک بود و عدم محاسبه دقیق در مورد پیامدهای احتمالی همه پرسی نه تنها باعث تقویت اقلیم شد بلکه باعث خسران فراوان و خارج شدن کنترل ۵۰ درصد از مناطق از دست پیشمرگه شد و اقلیم کردستان را در موقعیت ضعف در مقابل بغداد قرار داد. (محمد، ۱۳۹۸)

در واقع، می‌توان گفت در کنار فرصت‌هایی که ظهور داعش برای کردها داشت، تنش‌های درونی و مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این منطقه به عاملی برای تشدید منازعه‌ی داخلی بدل شد. مهم‌ترین تنش میان حزب میهنی کردستان عراق و حزب دموکرات کردستان عراق است. اختلافاتی که در گذشته حتی جنگ داخلی

کردستان عراق را به دنبال داشته و همچنان بر روابط آنها تاثیرگذار است. اینک اختلافات دو حزب در پی شکست رفراندوم و بازگشت کرکوک به حاکمیت دولت مرکزی عراق، شدت بیشتری به خود گرفته است. جریان‌ها و احزاب کُرد، مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق را به دلیل برگزاری همه‌پرسی یک‌جانبه و غیرقانونی مورد حمله قرار داده و عامل اصلی حوادث اخیر در این منطقه می‌دانند و حتی رئیس‌جمهور سابق عراق، فواد معصوم (که خود کُرد است) بارزانی، را متهم کرد که با برگزاری همه‌پرسی استقلال، مسبب عملیات نظامی ارتش عراق و خروج کُردها از کرکوک شده است (دوچه وله فارسی، ۲۰۱۷/۱۰/۱۸).

عقب‌نشینی پیشمرگه‌ها که پیش از آن از مقاومت برای حفظ کرکوک سخن می‌گفتند، باعث افشاگری‌هایی شد که طی آن، حامیان بارزانی مدعی شدند که حزب اتحادیه میهنی کردستان بطور پنهانی با بغداد مذاکره و بدون مقاومت کرکوک را در اختیار آنها گذاشته است. همین موضع در نطق تلویزیونی مسعود بارزانی که پس از پذیرش تقاضایش (برای کناره‌گیری از قدرت) از سوی پارلمان اقلیم، سخن می‌گفت نیز پدیدار شد. بارزانی، نیروهای رقیب در کردستان را به «خیانت» متهم کرد و گفت: هیچ‌کس از کُردها حمایت نکرد و بار دیگر حدود یکصد سال بعد از پیمان سایکس-پیکو، کُردها نتوانستند یک آرزوی تاریخی را عملاً تحقق بخشند (یورو نیوز فارسی، ۲۰۱۷/۱۰/۳۰). پس از این وقایع، انتخابات پارلمان کردستان عراق در مهر ۱۳۹۷ برگزار شد که حزب دموکرات با کسب ۴۵ کرسی پارلمان پیروز اصلی انتخابات اقلیم کردستان عراق شد و اتحاد میهنی با کسب ۲۱ کرسی پارلمان در جایگاه بعدی قرار گرفت، در انتهای ماه پنجم میلادی سال ۲۰۱۹، نچیروان بارزانی با رأی پارلمان اقلیم کردستان عراق به ریاست این منطقه منسوب شد و در ماه بعد نیز مسرور بارزانی پسر مسعود بارزانی با رای پارلمان به نخست‌وزیری اقلیم کردستان انتخاب شد. نچیروان بارزانی بعد از رسیدن به مقام ریاست منطقه اقلیم کردستان در اولین سفر خود برای عادی‌سازی روابط با دولت مرکزی به بغداد سفر کرد و با روسای سه‌گانه عراق دیدار و گفتگو کرد. او در اولین سفر خارجی خود نیز به دیدار رجب طیب اردوغان رفت (یورونیوز، ۲۰۱۸/۱۰/۲۱)

بعد از تحولات سال‌های اخیر، به نظر کردستان عراق درصدد بازگشت به روزهای قبل ظهور داعش و آرامش و دوری از تشنج در روابط خود با بغداد و همسایگان خود است، و فعلاً از خواسته‌های خود مبنی بر استقلال و انضمام مناطق مورد مناقشه دست

کشیده است با اینکه درگیری درون کردستانی هنوز وجود دارد و حتی شدت گرفته است. در مرزهای غربی اقلیم هم در مواجهه با گُردهای سوریه هنوز اما و اگرهای فراوان وجود دارد، به ویژه آنکه کردهای سوریه که پیشتر چندان مورد توجه بین‌المللی نبودند، با ظهور داعش در مرکز توجهات افکار عمومی جهانی قرار گرفتند.

۴. سوریه

سوریه کشوری متشکل از گروه‌های نژادی و قومیت‌های گوناگون، با بیش از چهل مؤلفه قومی، دینی و مذهبی است. به لحاظ مذهبی بزرگ‌ترین گروه دینی سوریه سنی‌ها هستند، که حدود ۷۴ درصد جمعیت آن‌را تشکیل می‌دهند. با این حال حکومت مرکزی در اختیار اقلیت علوی و خاندان اسد است (محب‌علی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴). در سوریه متأثر از فضای بهار عربی، جرقه بحران در شهر مرزی درعا در ۱۵ مارس ۲۰۱۱ با شعارنویسی چند دانش‌آموز زده شد. سازمان امنیتی آن استان در اقدامی عجولانه نسبت به تنبیه این دانش‌آموزان اقدام کردند که این امر باعث تجمع و تظاهرات اهل سنت علیه نظام حاکم شد، ادامه این ماجرا، تجمع و تظاهرات اهل سنت در مسجد العمری درعا بود که علیه نظام حاکم شعارهایی سر دادند. این واقعه نقطه آغاز بحران سوریه بود. (صفتاج، ۱۳۹۶، ص ۲۹)

در بررسی وضعیت اقلیت کرد در سوریه باید توجه داشت که مسئله عراق با مسئله سوریه کاملاً متفاوت بود. چرا که در مورد حفظ امنیت عراق به نظر هیچ اختلاف جدی بین طرفین بین‌المللی وجود ندارد؛ اما در مورد سوریه در دیپلماسی چندجانبه‌گرایی بین‌المللی، نقایص و چالش‌های جدی زیر قابل مشاهده است:

۱. وجود استانداردهای دوگانه در تعریف تروریسم؛
 ۲. استفاده ابزاری قدرت‌ها از تروریسم؛
 ۳. عدم وجود ساختارهای بین‌المللی و منطقه‌ای مناسب برای مقابله با تهدید تروریسم؛
 ۴. درهم تنیدگی ماهیت تروریسم با ساختارها و بافتارهای اجتماعی برخی مناطق؛
 ۵. فقدان الگوی مناسب برای مقابله با تروریسم (شفیعی، آبان ماه ۱۳۹۴).
- در این میان، دوگانگی در مورد تروریسم باعث شد، که رویکرد کشورها به ظهور داعش و مبارزه با آن در دو کشور عراق سوریه اشکال متفاوتی به خود بگیرد. به عنوان مثال، واشنگتن که در مقابله با دولت اسد متحد دفاکتوی گروه‌های سنی تندرو مانند داعش در سوریه بود، اما در عراق از حکومت مرکزی حمایت می‌کرد. در واقع، همین

استاندارد دوگانه در مبارزه با تروریسم باعث شد سوریه جولانگاه گروه‌های تروریستی مختلفی شود و کشورهای مختلف نیز در سوریه به جنگ نیابتی با یکدیگر بپردازند.

۴-۱. پیشینه تاریخی کردهای سوریه

همانطور که در مقدمه اشاره شد کردهای سوری، همواره در سوریه تحت شدیدترین فشارها و سرکوب‌ها از سوی حکومت‌های مرکزی قرار داشتند. با این حال، با روی کار آمدن حافظ اسد در سال ۱۹۷۰ با دو ملاحظه فضا کمی برای کردها در سوریه باز شد:

۱. اقلیت بودن اسد‌ها و علوی بودن آنها در جامعه سنی، که وزنی تقریباً اندازه کردها در جامعه سوریه داشتند و هواداری کردها برای آنها مهم بود. در نتیجه، کردها حتی به مقام‌های مهم کشوری از جمله مقام مفتی اعظم سوریه نیز دست یافتند.
۲. سیاست حافظ اسد در استفاده از کارت بازی کردی در مورد کشورهای منطقه به خصوص ترکیه و عراق که هم باعث می‌شد بر سیاست این کشورها تأثیرگذار باشد و هم اینکه مسئله کردی بودن سوریه به این کشورها پیوند بخورد و تا اندازه‌ای فراموش شود. در این بخش، سوریه ملجا و پناه کردهای منطقه و احزاب کردی گشت و گروه‌های مخالف دو کشور ترکیه و عراق در دمشق با آغوش باز پذیرفته شدند، در ابتدا جلال طالبانی در سال ۱۹۷۵ حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق را در دمشق تأسیس کرد. حزب دموکرات کردستان عراق نیز از سال ۱۹۷۹ در سوریه صاحب دفاتر خود شد، و اسد چشم خود را بر پیوستن صدها نفر کرد سوری به پیش‌مرگ‌های بارزانی در حزب دموکرات عراق بست. او به این وسیله توانست هم از رادیکال شدن کردهای سوریه جلوگیری کند و هم ضربه‌ای به حزب بعث عراق که با سوریه دچار مشکل بود وارد نماید. در مورد ترکیه نیز، سوریه بر سر مرزها به خصوص استان‌های یا اسکندرون و همچنین بر سر تقسیم آب با ترکیه به مشکل برخورد بود، و به همین دلیل پذیرای گروه پ.ک.ک و عبدالله اوجلان از سال ۱۹۸۰ شد و بسیاری از جوانان سوری به این گروه پیوستند (بین ۷ تا ده هزار نفر سوری در خلال جنگ این گروه با ترکیه کشته یا ناپدید شدند). اوضاع به گونه‌ای پیش رفت که چند منطقه کوچک در شمال سوریه به خصوص در گُردداغ توسط گریلاهای (چریک) پ.ک.ک به صورت خودمختار اداره می‌شد (تزل، ۱۳۹۵، ص ۱۲۸ تا ۱۵۲). این وضعیت در میان روابط سوریه و ترکیه تا سال ۱۹۹۸ ادامه داشت، و بعد از قرارداد آدنا بین ترکیه و سوریه، پ.ک.ک مجبور شد به کوه‌های قندیل در خاک عراق کوچ کند.

در سال ۲۰۰۰ حافظ اسد درگذشت و بشار اسد جوان به جای او به ریاست جمهوری سوریه رسید و نوید بهار دمشق را داد. دیدار بشار اسد با شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون از جمله کردها و فضای سیاسی بازتر در کشور سوریه، باعث تشکیل حزب کردی پ.ی.د شد، این حزب در سپتامبر ۲۰۰۳ به رهبری صالح مسلم اعلام موجودیت کرد که این امر از ابتدا مخالفت آنکارا را به دلیل نزدیکی ایدئولوژیکی این حزب به پ.ک.ک را در پی داشت. (www.pydrojava.net) نگاه کردهای سوریه به بشار اسد بهتر از حافظ اسد بود، تا اینکه قیام قامشلی که در ۱۲ مارس سال ۲۰۰۴ در جریان یک مسابقه فوتبال شروع شد. طی ۵ روز که به «سرکوب عظیم» معروف شد و ۳۲ کشته و صدها نفر مجروح و دو هزار نفر دستگیری در مناطق کردنشین شمال سوریه نظیر قامشلی، آمدودی و عفرین ثمره آن بود (فیلیپس، ۱۳۹۵، ص ۱۲۶). بعد از این حادثه روابط نه چندان مطلوب کردهای سوریه با دمشق تا سال ۲۰۱۱ ادامه یافت.

۵. پیامدهای ظهور داعش برای کردهای سوریه

در ابتدای بحران در سال ۲۰۱۱، جوانان کرد به شورش پیوسته و سازمان‌های کردی نیز با معترضین عرب هم‌آوا شدند. البته بیشتر جریان‌های کردی در این بازه زمانی سکوت کردند. زیرا احزاب کردی به علت سازه‌های عربی - اسلامی این اعتراض، نسبت به آن مظنون بودند. در پاسخ به سکوت کردها، رژیم سوریه، قانون منع مالکیت و فروش زمین به کردها را لغو کرد طی هفته‌های بعد، اسد نخست با تمرکز بر کردها گام‌هایی را در راستای تسلیم یا فرونشاندن اعتراضات مخالفان برداشت، او در ۷ آوریل سال ۲۰۱۱ وعده اعطای حق شهروندی «عرب سوری» را به ۲۲۵ هزار کرد ساکن در سوریه داد (فیلیپس، ۱۳۹۵، ص ۲۰۹).

اما در سال ۲۰۱۲ و با اوج‌گیری بحران در سوریه بسیاری از مناطق سوریه دستخوش درگیری و بحران شدند و کنترل بسیاری از شهرهای سوریه از دست رژیم سوریه خارج شد. در نتیجه اسد تصمیم گرفت اولویت خود را بر حفظ دمشق و مناطق اطراف پایتخت بگذارد. لذا در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۲ ارتش سوریه از بسیاری مناطق کردنشین خارج و تنها قامشلی و حسکه در استان حسکه یا کانتون جزیره شاهد نیروهای امنیتی اسد بود. در پی خروج ارتش سوریه، هواداران پ.ی.د، این تحولات را انقلاب روزآوا (کردستان غربی) نامیدند، پ.ی.د برای حفظ نظم در مناطق کردنشین و مبارزه با گروه‌های جهادی دست به تشکیل نیروی نظامی با نام Y.P.G (People's protection units)

یا یگان‌های مدافع خلق زد. همچنین واحدی با نام Y.P.J (Woman's protection units) یا یگان‌های مدافع زنان ایجاد کرد که شیوه‌کار و سازماندهی این گروه‌ها و جنگ گریلایی آنان کاملاً مشابه نیروهای نظامی وابسته پ.ک.ک معروف به H.P.G (Pepole's defence force) بود و در واقع از گذشته نیز بسیاری از نیروهای پ.ک.ک را نیروهای سوری را تشکیل داده بودند. (تزل، ۱۳۹۵، ص ۲۷۷)

در سال ۲۰۱۱ شورای میهنی (ملی) کردستان سوریه (Kurdish National Council) نیز به ابتکار مسعود بارزانی و حزب دموکرات کردستان عراق تشکیل شد. این حزب شامل ۱۶ حزب کردی سوری بود که صرفاً بازیگری روی کاغذ بود، ولی در میدان عمل نیروی در اختیار نداشت. در سال ۲۰۱۲ توافقی در اربیل به میزبانی بارزانی میان P.Y.D و K.N.C انجام شد و شورای عالی کرد (Kurdish Supreme Committee) D.B.K تشکیل شد تا اداره روزاوارا به صورت مشترک برعهده گیرد.

در سال ۲۰۱۱ ارتش آزاد سوریه که به شورای ملی انتقالی سوریه وابستگی داشت، سعی در اشغال شهر مرزی و کردی سرکانی (راس العین) داشت و در سال ۲۰۱۲ نیز جبهه النصره به این شهر حمله نمود که در هر دو مورد نیروهای مدافع خلق مانع از سقوط شهر شدند. پس از آن، شهر تل ابیض (گری سپی) به دست واحدهای مدافع خلق افتاد و این واحدها کوبانی (راس العرب)، آمودی و عفرین و بعدتر، دریک (مالکیه)، درباسی و گرگ لجه (المبادا) به کنترل خود درآوردند.

با ظهور داعش در سوریه، نیروهای این گروه حملات نظامی خود را علیه کردهای سوریه نیز آغاز کردند که بخش عمده این درگیری‌ها در کانتون کوبانی صورت گرفت، که برای ۴ ماه به محاصره داعش‌ها درآمد. اما کردها به مرور توانستند داعش را به عقب برانند (Sabio, 2015). با پیروزی چشمگیر حزب اتحاد دموکراتیک در نبرد کوبانی علیه داعش، موج حمایت‌های غرب از کردهای سوریه به‌عنوان یک متحد شروع شد و پس از شکستن محاصره کوبانی و شروع پیشروی‌های کردها، آنها برای جلب حمایت بین‌المللی و نیز افزایش مشروعیت خود، زمینه را برای اتحاد میان خود و دیگر نیروهای نظامی فراهم نمودند. این اتحاد به نیروهای سوریه دموکراتیک معروف شد. نیروهای سوریه دموکراتیک، حاصل اتحاد میان کردها، اعراب سنی، آشوری‌ها، ترکمان‌ها و ارمنیان است که در اصل تحت کنترل کردها قرار دارد (Lund, Jan, 2016). این نیروها معروف SDF (The Syrian Democratic Force) یا به عربی معروف به ق.س.د. (قوات سوریه الیدمقراطیه) با کسب حمایت ائتلاف بین‌المللی ضد داعش،

توانستند در سوریه پیشروی کرده و با عقب راندن داعش به آزادسازی شهر استراتژیک منبج در ۱۲ آگست ۲۰۱۶ دست یابند آنها همچنین توانستند در قالب عملیات خشم فرات، بازپس‌گیری رقه، به عنوان پایتخت خلافت داعش به انجام رسانده‌اند در نهایت این شهر و شهردیرالزور را به تصرف خود درآوردند. (طالبی، زرین نرگس، ۱۳۹۵).

گُردها و حزب پ.ی.د در ابتدای بحران سوریه سه کانتون کردی جزیره، کوبانی و عفرین را برای خود هدف‌گذاری کردند که با توجه به انفصال این سه منطقه کردی از یکدیگر و وجود اقوام دیگر مانند عرب‌ها و آشوری‌ها، هدف کردها پیوند این سه کانتون در امتداد مرز ترکیه بود. اما ترکیه به هیچ وجه خواهان یک موجودیت کردی و شریک دشمن دیرینه خود (پ.ک.ک) در مرزهای جنوبی خود نبود. به همین دلیل و برای کم شدن حساسیت‌ها، فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه یا کنفدراسیون شمال سوریه، در سال ۲۰۱۶ در نشست رمیلان جایگزین سیستم خودمدیریتی دموکراتیک غرب کردستان شد از سوی دیگر، ق.س.د در ۲۳ مارس ۲۰۱۹ توانست با حمایت آمریکا، آخرین پایگاه داعش در باغوز سوریه را تحت تصرف خود درآورد و مأموریت نظامی این نیروها عملاً در شرق فرات خاتمه یافت (مصطفوی، ۱۳۹۸/۰۳/۲۱). پیروزی ارتش دموکراتیک سوریه بر داعش در ماه مارس ۲۰۱۹، به کنترل مؤثر این نیروها بر یک سوم قلمرو سوریه منتهی شد (هولمز و ویلینبرگ، ۱۳۹۸/۰۵/۲۳).

روابط فدراسیون شمال سوریه و پ.ی.د با دمشق پیچیده و متناقض است، ولی کنترل مناطق ذکر شده حاصل نوعی همسویی میان حزب اتحاد دموکراتیک با دولت و ارتش سوریه بوده است. آنچه در رفتار حزب مذکور مشاهده می‌شود، نشان‌دهنده تمایل آنها بر باقی ماندن دولت اسد بر سر قدرت و مخالفت با ارتش آزاد و گروه‌های اپوزیسیون اسلامگرا ضد دولت است. هر چند آنها هیچگاه به این مسئله معترف نشدند، ولی به گفته ناظران و شواهد این همکاری شکل گرفته است و حتی به همکاری اقتصادی و فروش مشترک نفت رسیده است. در استان حسکه (کانتون جزیره) دمشق و «پ.ی.د» کنترل حوزه نفتی در این استان را در اختیار گرفته و براساس توافق طرفین، ۶۵ درصد درآمد ۳۵۰ چاه نفتی مناطق مذکور به دمشق، ۲۰ درصد آن به پ.ی.د و مابقی به عشایر عرب منطقه بابت حفاظت از چاه‌ها اختصاص داده شد (خبرگزاری آناتولی، ۲۰۱۷/۰۷/۲۶).

بنابراین، می‌توان گفت که کردهای سوریه با ظهور داعش و در سال‌های پس از ۲۰۱۳، چند اقدام اساسی را انجام دادند:

۱. تدارک فضای سیاسی برای عملیاتی نمودن طرح کنفدرالیسم دموکراتیک در کردستان سوریه، یا به عبارت بهتر، سه کانتون تحت مدیریت کردها
۲. شکست داعش در کوبانی با وجود محاصره این شهر و جلب حمایت بین‌المللی و منطقه‌ای

۳. بدل شدن نیروهای سوریه‌ی دموکراتیک به نیرویی کارآمد در مبارزه با داعش در سوریه. این نیروها توانستند به عنوان متحد آمریکا در منطقه مطرح شوند. در حالی روابط خود را با دمشق نیز داشته باشند و در مواقعی حتی با روسیه نیز همکاری کنند. (طالبی، زرین نرگس، ۱۳۹۵).

کردهای سوریه از نظر سیاسی به دو بلوک اصلی تقسیم می‌شوند: ۱. حزب اتحاد دموکراتیک، ۲. شورای میهنی کُرد. رقابت منطقه‌ای این دو گروه کُرد را می‌توان بین پ.ک.ک، که حزب اتحاد دموکراتیک به آن وابسته است، و شورای ملی (میهنی) کُرد (وابسته به حکومت اقلیم کردستان عراق) دانست. با توجه به این تقسیمات منافع ترکیه و حکومت اقلیم کردستان عراق در مناطق کردنشین سوریه با یکدیگر همگرایی دارد. به‌عنوان مثال، هر دو به دنبال محدود کردن نفوذ پ.ک.ک در سوریه هستند. (2102,dec,caves). شورای میهنی کرد معتقد است پ.ی.د همانند پ.ک.ک حزبی تمامیت‌خواه است و اجازه فعالیت به هیچ یک از دیگر گروه‌های کردی نمی‌دهد، و به دنبال آرمان‌ها و ایدئولوژی پ.ک.ک در مناطق خودگردان در شمال سوریه و بیشتر به دنبال مبارزه با ترکیه است (بیرو، ۱۳۹۷). همچنین اتهام دیگری که بر پ.ی.د وارد می‌شود، مشارکت با رژیم سوریه به دلیل سابقه روابط خوب پ.ک.ک با رژیم حافظ اسد است.

از طرف دیگر پ.ی.د شورای میهنی کُرد را به بی‌عملی در رابطه با مبارزه با جهادیون و معارضین مسلح به مناطق کردنشین متهم و از شورای عالی کُرد خارج شد، و با متحدان عرب و آشوری خود ابتدا جنبش جامعه دموکراتیک (TEV_DEM) را تشکیل و بعدازآن نیز به فدارسیون دموکراتیک شمال سوریه باهمکاری نیروهای عرب و آشوری و غیره پیوست. پ.ی.د معتقد است که شورای میهنی کُرد که حالا عضوی از شورای ملی سوریه (مخالفان حکومت اسد) است، تحت حمایت و مدیریت ترکیه در

راستای منافع ترکیه عمل می‌کند و حتی در مقابل اشغال عفرین توسط ترکیه سکوت کردند (سلیمان، ۱۳۹۷).

با وجود تمام تلاش‌های حزب دموکرات کردستان عراق و بارزانی برای پررنگ کردن نقش شورای میهنی کردستان و همکاری در اداره مناطق خودمختار کردستان سوریه، پ.ی.د تمایلی به همکاری و تقسیم قدرت نداشت. بارزانی نیز در سال ۲۰۱۳ از پذیرش خودمختاری اعلان شده توسط حزب اتحاد دموکراتیک سرباز زد، چرا که پ.ی.د را تنها یک سازمان کردی متحد با رژیم سوریه می‌داند که از نیروی مسلح برای کنترل منطقه استفاده می‌نماید. حکومت اقلیم همچنین در سال ۲۰۱۴ در راستای ممانعت از ورود و خروج مردم و کالا در حد فاصل روژآوا و اقلیم کردستان دست به حفر خندق زد، و بعدها طول این خندق به هفتاد کیلومتر، با سه متر عرض، و دو متر عمق رسید (فیلیپس، ۱۳۹۵ ص ۲۲۴). اما شاید جدی‌ترین اقدامی که اقلیم کردستان در مقابل پ.ی.د انجام داده است، تشکیل گروه شبه‌نظامی پیشمرگ روژ زیر نظر شورای میهنی کردستان سوریه می‌باشد که طبق اعلام ابراهیم بیرو رئیس سابق شورای میهنی کردستان تعداد آنان به ۵ هزار نفر می‌رسد و پیش بینی می‌شود تعداد آنها در آینده به ۱۰ الی ۱۲ هزار نفر خواهد رسید (کردپرس، ۱۳۹۶/۰۱/۱۵).

اما بزرگترین تهدید فدراسیون دموکرات شمال سوریه، ترکیه است که معتقد است پ.ی.د همان پ.ک.ک دشمنی قدیمی ترک‌هاست، از نظر ترکیه هر گُرد با اسلحه، یک تروریست است و نیروهای گُرد سوری یک ارتش تروریست محسوب میشوند (DYER, January, 2018) و به همین دلیل ترکیه به همراه ارتش آزاد متحد خود تاکنون دست به ۳ عملیات بر ضد گُردها در سوریه زده و نواحی غرب رودخانه فرات را که شامل کانتون عفرین و بخش بزرگی از کانتون کوبانی بود، طی دو عملیات «سپر فرات» در سال ۲۰۱۶ و «شاخه زیتون» در سال ۲۰۱۸ به اشغال خود درآورد (مصطفوی ۱۳۹۸/۰۴/۲۳). در غرب فرات تنها شهر مهم کردی که هنوز توسط ترکیه سقوط نکرده، شهر مهم و استراتژیک منبج است، که طبق توافقی که بین پ.ی.د و ارتش سوریه و نیروهای روسی انجام شد، با ورود نیروهای نظامی سوریه به شهر از سقوط آن جلوگیری شد. در این میان، نقش روسیه که خواهان نزدیکی کردها به دمشق است نیز مهم است، ولی در مواردی هم روسیه با ترکیه همکاری نموده و به اعتقاد بسیاری، سقوط شهر عفرین که برای گُردها بسیار ارزشمند بود، تنها با چراغ سبز روسیه به آنکارا امکان پذیر شد. (مسلم، ۱۳۹۷).

همان‌طور که پیشتر بیان شد کردهای سوریه برای کم کردن حساسیت‌ها به روی منطقه خودمختار کردی سوریه از قبل به مشارکت اعراب و سایر اقوام در تشکیلات خود پرداختند تا حدی که نام تشکیلات اداره منطقه در پاسخ به این حساسیت‌ها تغییر کرد. در ماه دسامبر ۲۰۱۶ واژه کردی «روژاوا» حذف شد و شمال سوریه به جای آن نشست (که موجب خشم بسیاری از ناسیونالیست‌های کرد شد) و در سال ۲۰۱۸ نیز سیستم فدرال ملغی شد و مرکز مدیریت یا پایتخت از قامیشلو به شهر عرب‌نشین عین عیسی منتقل شد (هولمز و ویلینبرگ، ۱۳۹۸/۰۵/۲۳).

ترکیه در سال ۲۰۱۹ با فشارهای داخلی احزاب ملی‌گرا به سومین عملیات علیه کردهای سوریه با نام چشمه صلح در شرق فرات دست زد. عملیاتی که ابتدا برای ایجاد منطقه امن در مناطق شرق فرات صورت گرفت و ترکیه هدف از آن را دور کردن نیروهای شبه نظامی گُرد از مرزهای جنوبی خود اعلام کرد. کشورهای نظیر ایران، آمریکا و روسیه و اتحادیه اروپا روی خوشی به این عملیات نشان ندادند (Blake, oct, 2019). اگرچه رجب طیب اردوغان اعلام کرد که در این عملیات ۱۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک سوریه به دست ترکها اشغال شده است ولی سازمان دیدبان حقوق بشر سوریه گزارش داد که از زمان آغاز این عملیات، نیروهای مسلح ترکیه و متحدانش مساحت ۲۴۱۹ کیلومتر مربع از خاک سوریه به تصرف ترکیه در آمده است (www.syriahr.com/342807). که میتوان به دو شهر تل ابیض و سرکانی اشاره کرد. از نتایج ملموس دیگر این عملیات نیز نزدیکی بیشتر روسیه و ترکیه بود که در نهایت پایان عملیات نیز بعد مذاکرات ۶ ساعته ولادمیر پوتین و اردوغان و توافق آنها اعلام شد. این تحولات همچنین موجب روگردانی کردهای سوریه از آمریکا و مذاکره مستقیم آنان با روسیه و بازگشت نیروهای نظامی سوریه به مناطق کردنشین بعد از ۵ سال گشت (مصطفوی، ۱۳۹۸/۰۸/۰۶). به هر روی حال، کردهای سوریه، شرق فرات را همان‌طور که برای خودمختاری خود کافی می‌دانند که منطقه‌ای حاصلخیز بین دو رود دجله و فرات است و مناطق نفتی بزرگ آن می‌تواند برای کردهای سوری موفقیت بسیار بزرگی باشد. هرچند با توجه به تضعیف داعش، پیروزی قریب‌الوقوع حکومت مرکزی سوریه بر مخالفین و تحولات پس از آن و معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی باید منتظر ماند و فرجام کار را مشاهده کرد و نتیجه آن به هر حال شکل‌گیری یک معمای جدید ژئوپلتیک در منطقه است.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، پیامدهای شکل‌گیری داعش بر وضعیت و جایگاه کردهای عراق و سوریه و فرصت‌ها و تهدیدهایی که در پی آن متوجه کردهای سوریه و عراق شد، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق بیانگر این امر است که ظهور داعش برای کردهای این دو کشور در ابتدا موجب فرصت بی‌نظیری برای خودمختاری، افزایش قلمرو و حتی کشورسازی شد. ولی در ادامه و به دلایلی همچون اختلافات داخلی، عدم رضایت کشورهای منطقه از به وجود آمدن یک کشور کردی جدید و عدم حمایت بین‌المللی، این فرصت به تهدید مبدل شد. البته در این میان، وضعیت کردهای عراق و سوریه تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند.

کردهای عراق بعد از حمله داعش به عراق و در خلال ضعف ارتش و دولت عراق کردها توانستند بیشترین بهره‌برداری را از فضای بوجود آمده ببرند، و در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و قلمرو سازی در مناطق مورد مناقشه با حکومت مرکزی قدرت و اختیارات خود را گسترش دهند و حتی کنترل کرکوک را در اختیار بگیرند. جنگ با داعش موجب شد که اقلیم کردستان به صورت مستقیم با قدرت‌های جهانی وارد معامله اسلحه و همکاری‌های نظامی شود و در این بین طرح رفراندوم استقلال کردستان عراق را اجرایی کند. اما این پایان کار نبود و در کمتر از یک ماه بعد از رفراندوم کردستان، نیروهای دولتی عراق توانستند کرکوک و سایر مناطق مورد مناقشه را از اقلیم کردستان عراق بازپس گیرند و اقلیم کردستان عراق تحت فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی از نتایج همه‌پرسی عقب‌نشینی کرده و در نهایت به استعفای بارزانی از ریاست منطقه اقلیم کردستان رضایت داد. این شکست سخت‌ترین شکست کردها در مسیر استقلال در دهه‌های اخیر بود و آنها در حال حاضر تنها به دنبال آن هستند که بتوانند موقعیتی را که قبل حضور داعش در منطقه از آن برخوردار بودند، احیا کنند.

در مقابل، در کردستان سوریه وضعیت هنوز از ثبات برخوردار نیست و در حالت مبهمی قرار دارد و بعد از پیشرفت‌های اولیه کردهای سوریه و به تسخیر درآوردن سه کانتون ادعایی کردی، ترکیه با حمله به خاک سوریه به بهانه مبارزه با تروریست‌ها، تقریباً دو کانتون کردی سوریه را به اشغال خود یا نیروهای طرفدار خود درآورد و کردها مجبور به عقب‌نشینی به شرق فرات و مناطق دور از مرز ترکیه شدند. در واقع، ترک‌ها به هیچ وجه وجود همسایه‌ای کرد در جنوب خاک خود که با مهمترین دشمن دولت ترکیه (یعنی پ.ک.ک) ارتباط نزدیکی دارند را نخواهد پذیرفت، و دیگر کشورهای منطقه نیز

نظیر ایران و حتی اقلیم کردستان عراق نیز با این مسئله راحت کنار نخواهند آمد، و خود سوریه نیز به دلیل منابع غنی نفتی و گازی در منطقه شرق فرات، قطعاً به خودمختاری این منطقه واکنش نشان خواهد داد. در واقع، در پاسخ به سوال اصلی مقاله باید گفت به نظر می‌رسد هم کردهای عراق و هم کردهای سوریه، علیرغم دستاوردهای آغازین ناشی از ظهور داعش در این دو کشور، در نهایت در دفاع از این دستاوردها و تعمیق و گسترش آن دچار چالش‌های جدی و شکست‌های قابل توجهی شدند؛ تا آنجا که موضوع تنها به بازگشت به شرایط قبلی (در عراق) و یا کسب حداقلی‌ترین پیروزی‌ها (در سوریه) رهنمون شد. بر این اساس، می‌توان گفت خطر اصلی همواره استفاده ابزاری از نیروهای کُرد توسط بازیگران فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا و روسیه برای مهار نقش و قدرت دولت‌های منطقه‌ای بوده است و آرزوهایی مانند استقلال کردستان عراق و یا خودمختاری کردی در سوریه متأثر از روابط قدرت همواره در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد ماند و نمی‌توان ظهور وضعیتی اساساً متفاوت در ژئوپلیتیک منطقه را به زودی انتظار داشت. در نتیجه، فرضیه مقاله مبنی بر اینکه اگرچه ظهور داعش در ابتدا به سود کردهای دو کشور بود، در ادامه به تضعیف موقعیت آنها منتهی شد، به اثبات می‌رسد.

کتاب‌نامه

- تزل، ژوردی (۱۳۹۵). *کردها در سوریه، تاریخ، سیاست، جامعه*، ترجمه آزاد حاجی آقایی، چاپ اول، تهران، انتشارات رامان سخن.
- شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۲). *کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صفتاج، مجید (۱۳۹۶). *پشت دروازه دمشق، سیاست، فناء، سیاست بقا*، چاپ اول، تهران، انتشارات آفاق روشن بیداری.
- فیلیپس، دیوید لارنس (۱۳۹۵). *بهار کردی نقشه جدید خاورمیانه*، ترجمه آزاد حاجی آقایی، چاپ اول، تهران، انتشارات رامان سخن.
- کوچرا، کریس (۱۳۷۷). *جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی*، تهران: چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات نگاه.

بیرو، ابراهیم (۱۳۹۷). «تاریخچه و ریشه‌های چالش میان گروه‌های کردی و عربی در سوریه»، فصلنامه مطالعات سیاست خارجی تهران، سال سوم، زمستان ۹۷، شماره یازدهم. پشنگ، اردشیر (۱۳۹۴). «کردها، امید به آینده در دل بحران»، خبرگزاری شفقنا، کدخبر: ۶۱۸۱۶: <https://fa.shafaqna.com/news/61816>

پیشگاهی فرد، زهرا و حسین کریمی (۱۳۹۷). «بررسی پیامدهای منطقه‌ای همه‌پرسی در کردستان عراق»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۰۲۹ الی ۱۰۴۷. خبرگزاری آناتولی، (۲۰۱۷/۰۷/۲۶). «رژیم اسد و پ.ی.د منابع نفتی سوریه را بین خود تقسیم کرده‌اند». <https://www.aa.com.tr/fa/870188>

خبرگزاری خبرآنلاین، (۱۳۹۳/۰۵/۱۵). «داعش به اربیل نزدیک شد»، کدخبر: ۳۶۸۷۰۲ <http://www.khabaronline.ir/news/368702>

خبرگزاری دوچه وله فارسی (۱۸/۱۰/۲۰۱۷). «بازپس گیری کرکوک، کردها به مرزهای اقلیم کردستان بازگشتند» <https://p.dw.com/p/2m3ym> خبرگزاری کردپرس، (۹۳/۰۳/۲۸)، «شرایط بحرانی عراق و افزایش اختیارات بارزانی»، کد خبر: ۶۴۸۳۰.

خبرگزاری کردپرس، (۹۶/۰۱/۱۵)، «گفتگو با رئیس شورای میهنی کردستان؛ آمریکا از پ.ی.د استفاده ابزاری می‌کند».

دیپلماسی ایرانی (۰۴/۰۶/۱۳۹۳). «بارزانی: ایران نخستین کشوری بود که به ما کمک تسلیحاتی کرد»، کد خبر: ۱۹۳۷۴۹۲ <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1937492> رسول پور، سامان، «داعش و بحرانی که در کمین منطقه است» وب سایت بی بی سی فارسی، ۹۳/۰۳/۲۳.

https://www.bbc.com/persian/blogs/2014/06/140612_144_nazeran_daesh_middle_east

سلطانی، محمد علی (۱۳۹۳). «خاندان و خاستگاه تربیت و تفکر جلال طالبانی»، شرق، تدبیر خبر، کد مطلب: ۵۹۷۴۵ <http://www.tadbirkhabar.com/news/world/59745>

سلیمان، احمد (۱۳۹۷). «ارزیابی محاسبات و رفتارهای کرد سوریه در بحران این کشور»، فصلنامه مطالعات سیاست خارجی تهران، سال سوم، زمستان ۹۷، شماره یازدهم. شبکه خبر، (۹۳/۰۵/۱۸)، «دفاع بزرگ از اربیل؛ تنها با هشت بمب؟»، کد خبر: ۶۳۳۰۰. <https://www.irinn.ir/fa/news/63300>

شفیعی، نوذر، (آبان ۹۴). «چند جانبه‌گرایی بین‌المللی در برخورد با تروریسم»، دیپلماسی ایرانی، کد مطلب: ۱۹۵۳۸۶۱.

پیامدهای حضور داعش برای کردهای عراق و سوریه ۶۹

طالبی آرانی، روح‌الله و زرین نرگس، یحیی (۱۳۹۵). «بین‌المللی شدن دولت در غرب آسیا: مطالعه‌ی موردی عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶»، همایش بین‌المللی نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا، کنفرانس امنیتی تهران.

کمال، آسو، (۱۳۹۰)، «هدف، پایان حکومت میلشیاپی است»، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، شماره ۵۸، اقلیم کردستان عراق. مردادماه.

محب علی، قاسم (۱۳۹۰) «ریشه‌های بحران»، مهرنامه، سال دوم، شماره هجدهم، دی‌ماه. محمد، یوسف (۱۳۹۸). «ارزیابی دستاوردها و چالش‌های احزاب کرد عراق»، فصلنامه مطالعات سیاست خارجی تهران، سال چهارم، بهار ۱۳۹۸، شماره دوازدهم.

مسلم، صالح (۱۳۹۷). «حزب اتحاد دموکراتیک دموکراتیک و نظام سوریه، هم‌پیمانی یا تقابل»، فصلنامه مطالعات سیاست خارجی تهران، سال سوم، زمستان ۹۷، شماره یازدهم. مصطفی، انوشیروان (۱۳۹۰)، «لزوم تاسیس دولت دموکراتیک منطقه‌ای» فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، شماره ۵۸، اقلیم کردستان عراق. مرداد ماه.

مصطفوی، سیدمحسن (۹۸/۰۳/۲۱). «خطر در روزاوا»، خبر آنلاین، کد خبر: ۱۲۶۸۹۷۴.

<https://www.khabaronline.ir/news/1268974>

مصطفوی، سیدمحسن (۹۸/۰۴/۲۳). «معمای کردستان سوریه در ژئوپلتیک منطقه‌ای»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. -07-2019-07-14/4507

مصطفوی، سیدمحسن (۹۸/۰۸/۰۶). «طلوع دوباره شرق از غرب آسیا»، خبر آنلاین، کد خبر:

<https://www.khabaronline.ir/news/1314871>. ۱۳۱۴۸۷۱

نیک فر، جاسب و ماهیدشتی، مهدی (۱۳۹۴). «واکوی استراتژی نفتی اقلیم کردستان عراق اهداف و رویکردها»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره چهارده،

هولمز، امی آستین و فون ویلگنبرگ، ولادمیر (۱۳۹۸/۰۵/۲۳). «کردها و عرب‌ها؛ جنگ قدرت یا تقسیم قدرت در شمال سوریه؟»، نشنال اینترست، ترجمه کردپرس، سرویس سوریه.

<http://kurdpress.com/details.aspx?id=91307>

یورو نیوز (۲۰۱۷/۱۰/۳۰). «چرا بارزانی تصمیم به کناره‌گیری از قدرت گرفت».

<https://farsi.euronews.com/2017/10/30/barzani-steps-down-why-now>

یورو نیوز (۲۰۱۸/۱۰/۲۱). «اعلام نتایج انتخابات اقلیم کردستان عراق، بارزانی قدرت اول شد».

<https://farsi.euronews.com/2018/10/21/parliamentary-election-kurdistan-region-iraq-results>

Blake, Aaron “they didn’t help us with Normandy :trump abandons the kurds rhetorically if not literally “ Washingtonpost, oct9 ,2019

<https://www.washingtonpost.com/politics/2019/10/09/trump-has-abandoned-kurds-least-rhetorically/>

Caves, John, “Syrian Kurds and the Democratic Union Party (PYD), Institute for the Study of War”. Dec 6 ,2012

<http://www.understandingwar.org/backgrounders/syrian-kurds-and-democratic-union-party-pyd>

Cole , Isabel, “ kurds fight out internal rivalries in Iraq vote ” Reuters, Apr29,2014:

<https://www.reuters.com/article/us-iraq-election-kurds/kurds-fight-out-internal-rivalries-in-iraq-vote-idUSBREA3S03U20140429>

DYER, GWYNNE “WILL THE US BETRAY THE SYRIAN KURDS?” January 20, 2018

<https://www.jpost.com/Opinion/Will-the-US-betray-the-Syrian-Kurds-5392>

Iddon, Paul (2017). Analysis:” Can Syrian Kurds defend and consolidate their quasi-autonomous territory?” Website Alaraby, 11 July 2017.

Lund, Aron (Jan. 22, 2016). Origins of the Syrian Democratic Forces: A Primer.

<https://www.newsdeeply.com/syria/articles/2016/01/22/origins-of-the-syrian-democratic-forces-a-primer>

Natali, Denise “Iraqi kurds maneuver between Maliki and Mosul” Al-monitor, june13,2014

<https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2014/06/kurds-isis-mosul-maliki-kr-gains-leverage.html>.

Sabio, Oso (2015).” Rojava: An Alternative to Imperialism, Nationalism, and Islamism in the Middle East”. Publisher: lulu.com.

Washingtonpost “Most Yazidis have been rescued from a besieged mountain in northern Iraq” August 14 , 2014

<https://www.washingtonpost.com/world/yazidis-still-reported-trapped-on-mountain-in-northern-iraq-despite-us-assessment/2014/08/14/d85337fb-c5d2-4b82-b53a-410467e0db9>.